



قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) اختصاص پیدا کرده است گفته می‌شود. و چنان‌که برخی **علما** گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی **کتاب آسمانی** است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.
[۱] **راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.**

فهرست مندرجات

- ۱ - اقسام معانی قرآن
 - ۱.۱ - جامد
 - ۱.۲ - مشتق
 - ۱.۳ - برگرفته از قرء
- ۲ - دلایل قوی‌ترین اقوال
 - ۲.۱ - دلیل اول
 - ۲.۲ - دلیل دوم
 - ۲.۳ - دلیل سوم
 - ۲.۴ - دلیل چهارم
- ۳ - وظایف مسلمانان
 - ۳.۱ - وظیفه عملی
- ۴ - بیانویس
- ۵ - منبع

اقسام معانی قرآن

در معنای قرآن وجوه پنج‌گانه‌ای گفته شده است
[۱] بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.
[۲] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.
که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

← جامد

قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن‌که پیشینه استعمال در **زبان عرب** داشته باشد، **خداوند** به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است؛ مثل **تورات** و **انجیل** که اسم برای کتاب‌های **حضرت موسی (ع)** و **عیسی (ع)** هستند (**شافعی**).

← مشتق

الف) مشتق از قرن الشیء بالشیء؛ یعنی چیزی را به چیزی ضمیمه کردن. علت این نامگذاری، مقرون بودن سوره‌ها و **آیات** و حروف به یکدیگر است (**اشعری** و جمعی دیگر).
ب) قرآن، مشتق از قرآن، جمع قرینه است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند و بعضی بعض دیگر را تایید می‌کنند. هر **آیه** از قرآن، قرینه آیه دیگر است (فراء).

← برگرفته از قرء

الف) از قرء به معنای جمع گرفته شده است. عرب وقتی بخواهد بگوید: **آب** را در حوض جمع کردم، می‌گوید: قرأت الماء فی الحوض. علت این نامگذاری، آن است که این کتاب همه ثمرات کتاب آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (**ابن اثیر، زجاج** و...).

ب) بر وزن رجحان و غفران، مشتق از ماده قرا به معنای **تلاوت** است. در اینجا از بلب تسمیه مفعول به مصدر، مقروء، یعنی خوانده شده و یا خواندن، به نام قرآن، یعنی خواندن به کار رفته است؛ مثل آن که کتلب، که به معنای نوشتن است، به مکتوب (نوشته شده) اطلاق می‌گردد (لحیانی و جمعی دیگر).

دلایل قوی‌ترین اقوال

از میان اقوال پنج‌گانه فوق، قول پنجم از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

← دلیل اول

زرقانی پس از رد سایر اقوال، همین قول را اختیار نموده است.
[۱۴] زرقانی، محمد، **مناهل العرفان**، ج ۱، ص ۱۴.

← دلیل دوم

القراءة ضم الحروف و الکلمات بعضها الي بعض في الترتيل...: قراعت به معنای پیوند و ضمیمه نمودن حروف و کلمات به یکدیگر در هنگام ترتیل است.
[۱۵] **راغب اصفهانی**، حسین بن محمد، **راغب**، مفردات، ص ۶۶۸.

به سخن دیگر، قراعت همان تلاوت آیت الهی است.

← دلیل سوم

و قوله: «ان علينا جمعه و قرآنه»... القرآن هاهنا مصدر كالفرقان و الرجحان، و الضميران للوحي، و المعنى: لاتعجل به، اذ علينا ان نجتمع ما نوحيه اليك بضم بعض اجزائه الي بعض و قراعتك عليك
[۱۶] **طباطبائی**، محمدحسین، **المیزان**، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

از آیه فوق به خوبی برمی‌آید که اگر حتی آن‌گونه که **ابن اثیر** گفته است، اصل در واژه قرآن معنای جمع باشد، به خاطر تقارن این واژه با واژه جمع در آیه شریفه ناگزیر قرآن به معنای قراعت و خواندن خواهد بود وگرنه تکرار آن امری لغو و بیهوده بوده، با **فصاحت** قرآنی منافات دارد.

← دلیل چهارم

دلیل دیگر که نظریه پنجم را تقویت می‌کند، امر «اقرأ» در نخستین **وحی** بر **پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)** است که بی‌تردید به معنای «بخوان» است. لفظ قرآن نیز نخستین بار در آیه چهارم از **سوره مزمل** نازل شده که مطابق حدیث معروف **جابر بن زید** و **ابن عباس**، سومین **سوره** در ترتیب نزول سوره‌هاست.

[۱۷] سیوطی، جلال‌الدین، **الاتقان في علوم القرآن**، ج ۱، ص ۸۱.
در این آیه، دستور چنین است: «و رتل القرآن ترتیلاً»؛

[۱۸] **مزمل/سوره ۷۳، آیه ۴.**

و «قرآن» را شمرده شمرده بخوان، در آخرین آیه از همین سوره نیز بار دیگر در بگ فرمان همگانی اعلام می‌شود: «فافرؤا ماتیس من القرآن»
[۱۹] **مزمل/سوره ۷۳، آیه ۲.**

هرچه از «قرآن» میسر می‌شود، بخوانید» بدیهی است که منظور در هر دو آیه، قرآن خواندن است. نتیجه آن روشن‌ترین و مناسب‌ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است.

وظایف مسلمانان

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتلب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۳ **سوره بقره** می‌فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ»

[۲۰] **بقره/سوره ۲، آیه ۶۳.**

آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید.» این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی **تدبیر** و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل. از **امام صنایع (علیه‌السلام)** ذیل همین آیه می‌پرسند: «افره فی الابدان قوه فی القلوب؛ آیا به نیروی جسمها یا دلها؟» آن حضرت می‌فرماید: «فیهما جمیعا؛ به هر دو»

[۲۱] **مجلسی**، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۱۳، ص ۲۲۶.

خداوند در آیه ۲۹ **سوره ص** می‌فرماید: «كَتَبْنَاكَ لِلْإِنسَانِ أَلْفًا مِّن دُرِّهِ؛ و کتلب آنزله الیک مبارکک لیذبروا آیاته»؛

[۲۲] **ص/سوره ۳۸، آیه ۲۹.**

این کتابی مبارک است که به سوی تو فرستاده شده تا در آیت آن تدبیر کنی» و در آیه ۲۴ **سوره محمد** نیز می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْدَبُرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»

[۲۳] **محمد/سوره ۴۷، آیه ۲۴.**

چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند، آیا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟»

← وظیفه عملی

این دو آیه و وظیفه علمی ما را نسبت به قرآن بیان می‌کند. اما در باره وظیفه عملی نیز می‌فرماید که مسلمانان باید این‌گونه باشند: «كانهم بُنِيانٌ مَرصُوصٌ»

[\[۱۴\] صف/سور ۶۱، آیه ۴.](#)

یعنی مسلمانان باید به گونه‌ای عمل کنند که دیگر نفوذ ناپذیر شوند و کسی قصد و نیت حمله پیدا نکند. باید اهل استقامت و پایداری در دین باشند: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَلَبَّ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

[\[۱۵\] هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۲.](#)

پس، همان‌گونه که دستور یافتنای، ایستادگی کن و هر که با تو تویه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»
مسلمان باید به گونه‌ای باشد که دشمن وقتی می‌آید می‌بیند که نمی‌تواند نفوذ کند و «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»

[\[۱۶\] توبه/سور ۹، آیه ۱۲۳.](#)

باید در شما غلظت و ستبر و سختی باشد» که کسی دیگر طمع نورزد. البته در میدان جهاد باید حمله کرد و غلظت داشت: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»

[\[۱۷\] توبه/سور ۹، آیه ۷۳.](#)

با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!

اما در حالت عادی نمی‌خواهد این‌گونه رفتار کنید بلکه باید کسی که از بیرون شما را ببیند دژی استوار و نفوذناپذیر ببیند و لازم نیست حمله کنید تا غلظت و ستبری خود را در حمله به نمایش بگذارید، بلکه همین غلظت و ستبری و سختی را در شما ببیند. پس وظیفه هر مسلمانی نسبت به قرآن این است که در آن تدبیر کند و مفاهیم آن را بفهمد و در مقام عمل به شدت بر عمل به آن مراقبت و مواظبت نماید و کوتاه نیاید و از حدود الهی تجاوز نکند و اجازه تجاوز و عصیان ندهد.

پانویس

۱. ↑ [راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.](#)
۲. ↑ [بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.](#)
۳. ↑ [سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.](#)
۴. ↑ [زرقانی، محمد، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.](#)
۵. ↑ [راغب اصفهانی، حسین بن محمد، راغب، مفردات، ص ۶۶۸.](#)
۶. ↑ [طباطبائی، محسنین، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.](#)
۷. ↑ [سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۱.](#)
۸. ↑ [مزمل/سور ۷۳، آیه ۴.](#)
۹. ↑ [مزمل/سور ۷۳، آیه ۲۰.](#)
۱۰. ↑ [بقره/سور ۲، آیه ۶۳.](#)
۱۱. ↑ [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲۶.](#)
۱۲. ↑ [ص/سور ۳۸، آیه ۲۹.](#)
۱۳. ↑ [محمد/سور ۴۷، آیه ۲۴.](#)
۱۴. ↑ [صف/سور ۶۱، آیه ۴.](#)
۱۵. ↑ [هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۲.](#)
۱۶. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۱۲۳.](#)
۱۷. ↑ [توبه/سور ۹، آیه ۷۳.](#)

منبع

[اندیشه قم](#)

سایت پژوهی، برگرفته از مقاله «وظیفه علمی و عملی ما در برابر قرآن»، [تایخ بازیابی ۹۵/۱/۲۴.](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات اسلامی](#) | [تفسیر](#) | [قرآن شناسی](#) | [کتاب آسمانی](#) | [مقالات اندیشه قم](#) | [مقالات پژوهی](#) | [واژگان قرآنی](#)